

[تلخیص مطالب گذشته در فرع 24 1](#_Toc526158181)

[مطلب اول: مقتضای اصل عملی 1](#_Toc526158182)

[مطلب دوم: معنای مبیح بودن تیمم 2](#_Toc526158183)

[مطلب سوم: بررسی اجماع یا شهرت 2](#_Toc526158184)

[مطلب چهارم: بررسی أدله 3](#_Toc526158185)

[کلام محقق حکیم: اختصاص روایت به نماز 4](#_Toc526158186)

[تبیین سوم از روایت 4](#_Toc526158187)

[نتیجه بحث: بقای تیمم بعد از حدث اصغر 4](#_Toc526158188)

[توصیه استاد :لزوم مباحثه و کار علمی 5](#_Toc526158189)

[ادامه ی مسئله 24: تنزیل تیمم منزله ی غسل 5](#_Toc526158190)

[حکم تداخل در اسباب غسل نسبت به تیمم 6](#_Toc526158191)

**موضوع**: وظیفه مجنب متیمم محدث به حدث اصغر /احکام تیمم /تیمم

**خلاصه مباحث گذشته:**

در جلسات گذشته بعد از نقل اقوای در مورد انتقاض یا عدم انتقاض تیمم به وسیله ی حدث اصغر، به بیان ادله ی دو طرف پرداخته شد. یکی از ادله ی محقق خویی بر انتقاض تیمم ،آیه ی شریفه و روایات بودند که مورد مناقشه قرار گرفت. در این جسله خلاصه ای از مسئله ی پر بحث 24 ارائه می گردد و سپس مسئله ی بعد مطرح خواهد شد.

***متن تقریر***

بسم الله الرحمن الرحیم

# تلخیص مطالب گذشته در فرع 24

بحث در فرع 24 تمام شد. از آنجایی که فرع مهمی بود خلاصه اش را بیان می کنیم:

مطالبی در این فرع بیان شد:

### مطلب اول: مقتضای اصل عملی

مطلب اول این بود که مقتضای اصل عملی در این فرع بقای تیمم است. اصل اولی عدم انتقاض تیمم است. شک داریم که با این آبی که برای وضو پیدا شد، یا این حدث اصغری که پیدا شد، تیمم سابق بدل از غسل نقض شده است یا خیر؟ عرض کردیم که استصحاب بقاء تیمم مرجع می باشد. صاحب جواهر در مقابل یک استصحاب معارض مطرح کرده است که استصحاب عدم مشروعیت می باشد. عدم تمامیت این استصحاب گذشت. یک استصحاب نیز محقق خویی مطرح کرده بود که بقای جنابت می باشد؛ به نظر ما استصحاب بقای جنابت در این جا به وسیله ی ادله ی تنزیل، ناتمام است. ادله ی تنزیل می گوید اولا جنابت مرتفع است و ثانیا دلیل نداریم که در بقای جنابت باید تیمم تکرار شود. محقق خویی می فرمود جنابت باقی است و باید تیمم کند ولی عدم تمامیت این کلام گذشت.

### مطلب دوم: معنای مبیح بودن تیمم

مطلب دوم در مورد مبیح بودن یا رافع بودن تیمم بود. در ذهن ما این بود که تیمم مانند وضو و غسل، به صورت موقت رافع حدث و جنابت است. در مقابل قولی که تیمم را صرفا مبیح می دانست و طهارتی برای آن قائل نبود. همچنین در مقابل قولی که با طهور دانستن آن، لکن رافع حدث و جنابت نمی دانست. محقق خویی هم می فرمود که حدث را می برد و جنابت را نمی برد. ما کلام سید مرتضی را اختیار کردیم که تیمم به صورت موقت هم طهارت است و هم رافع جنابت و حدث می باشد.

### مطلب سوم: بررسی اجماع یا شهرت

مطلب سوم این بود که مشهور گفته بودند که تیمم با حدث اصغر منتقض می شود. مراد از مشهور که انتقاض تیمم را اختیار کرده باشند، مشهور متاخرین است؛ یعنی مرحوم محقق و بعد از او، ولی این شهرت حجت نیست. شهرت زمانی حجت است که بین متقدمین باشد. شهرت علمای صدر اول که متصل به زمان اصحاب ائمه می باشند حجت است؛ زیرا بعید است که از جانب خودشان نظریه ای را مطرح کرده باشند. ظاهر این است که از اصحاب ائمه سینه به سینه به این ها رسیده است.

آنچه از کلمات در این بحث به دست ما رسیده است شهرت قدماییه نیست. ما در میان قدماء از مرحوم کلینی مطلب قابل استفاده ای نیافتیم. مرحوم کلینی تنها روایت «ما لم یحدث»[[1]](#footnote-1) را مطرح کرده بود که معلوم نیست برداشت ایشان مانند برداشت محقق خویی باشد. شیخ مفید نیز فقط «ینتقض بالحدث» را مطرح کرده بود که شاید مرادش غیر مراد محقق خویی باشد. آنچه یافتیم از *شیخ طوسی* و بعد از ایشان *ابن حمزه در وسیله* و *ابن براج در سوال و جواب* است که ایشان بعد از شیخ متهم به تقلید از شیخ هستند و کلامشان حجت نیست. آنچه مهم است کلام شیخ است که در خلاف گرچه ادعای اجماع می کند، لکن اجماعی را که ایشان در خلاف مسئله 92 مطرح کرده است، اجماع بر این است که با این تیمم حدث به صورت مطلق (که حتی در صورت وجدان آب نیز نیازی به غسل نباشد)، مرتفع نمی شود. این مطلب ایشان را اجماعی می داند. ما هم این را قبول داریم و محل اختلاف نیست. ما در میان قدماء اجماع یا شهرتی نیافتیم که مفاد آن انتقاض تیمم به حدث اصغر باشد.

اینکه محقق همدانی از جهت شهرت، در آخر کلامشان، احوط را جمع بین تیمم و وضو دانسته اند مورد قبول نیست. سید مرتضی هم به صورت واضح مطرح کرده است؛ شهرت قدمایی موجود نیست. بلی، علامه حلی ادعای اجماع بر انتقاض کرده است که به دلیل متاخر بودن و حدسی بودن بحث، مورد توجه واقع نمی شود.

### مطلب چهارم: بررسی أدله

مطلب چهارم حول ادله بود. ادعای ما این بود که مقتضای ادله­ی تنزیل تراب به منزله ی ماء این است که تیمم نیز رفع حدث می کند. مقتضای ادله عدم انتقاض تیمم است. تیمم تا زمانی که آب پیدا نشود به نظر ما رافع جنابت است برخلاف محقق خویی که اطلاقی برای ادله ی تنزیل قائل نیست[[2]](#footnote-2). ایشان تنزیل را فقط از باب طهارت بودن می داند و رافع بودن جنابت را قبول ندارند. به نظر ما مقتضای اطلاق ادله تنزیل بقای تیمم است همانطور که مقتضای استصحاب نیز چنین بود. اینجا دلیل اجتهادی و فقاهتی در نظر ما یکی شدند. در مقابل برخی مانند محقق خویی ادعا می کنند دلیل بر انتقاض وجود دارد. عمده دلیل ایشان بر انتقاض مبیح بودن و روایات و آیه شریفه بود. ایشان ادعا می کرد که آیه موضوع را محدث به اصغر قرار داده هاست و قید را این قرار داده است که اگر کسی در زمان وجدان آب وظیفه اش غسل بود در هنگام فقدان آب وظیفه اش تیمم است[[3]](#footnote-3). ما عرض کردیم که موضوع در این ایه محدث به صورت مطلق است که خداوند متعال محدث را به دو قسم تقسیم کرده است. محدث اصغر باید وضو بگیرد و محدث اکبر باید جنب بودنش محرز باشد. در غیر این صورت تمسک به عام در شببه موضوعه خواهد بود.

نوع دوم از ادله نیز ادله ای بود بدین مضمون:

« عَنْ زُرَارَةَ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ ع يُصَلِّي الرَّجُلُ بِتَيَمُّمٍ وَاحِدٍ صَلَاةَ اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ كُلَّهَا *فَقَالَ نَعَمْ مَا لَمْ يُحْدِثْ* أَوْ يُصِيبُ الْمَاءَ»[[4]](#footnote-4) .

یکی از دلائل محقق خویی اطلاق مالم یحدث در این روایت بود که ما اطلاق آن را مورد مناقشه قرار دادیم. به نظر ما «مالم یحدث» یعنی همان حدث مناسب؛ این کلام اطلاق ندارد که تیمم با مطلق حدث نقض شود. مختار ما در این دلیل عدم اطلاق بود.

#### کلام محقق حکیم: اختصاص روایت به نماز

در مقابل کلام محقق حکیم است که فرمایش ایشان در جلسات گذشته بیان نشد. ایشان فرموده است که این روایت به هیچ وجه راجع به نواقض نیست؛ بلکه مربوط به نماز است. امام فرموده اند می توانی نماز بخوانی تازمانی که حدث سر نزده باشد[[5]](#footnote-5). این کلام محقق حکیم به نظر ما تمام نیست؛ زیرا:

اولا: ظاهر این روایت این است که حدث ناقض است. به قرینه ی أویصب ماء که در ادامه آمده است. بنابراین این روایت بیانگر این است که حدث از نواقض است.

ثانیا: امام علیه السلام در توضیح در ذیل روایت فرمودند که اگر آب پیدا شود وضو نقض می شود؛ بنابراین معلوم می شود این روایت مربوط به نواقض است.

#### تبیین سوم از روایت

کلام سومی نیز در مورد این روایت گفته شده است که این روایت را مربوط به وضو دانسته اند و ادعا کرده اند که این روایت به هیچ وجه تیمم بدل از غسل را شامل نمی شود. بحث در این روایت مربوط به تیمم بدل از وضو است. شاهد ایشان نیز ذیل روایت است که حضرت وجدان آب را برای وضو، موجب انتقاض تیمم دانستند. به نظر ما این کلام گرچه موید است ولی قابل جواب است. بدین بیان که گرچه ذیل روایت مختص به وضو است، ولی تمسک به اطلاق صدر روایت بی اشکال است. ما این احتمال را موید می دانیم و نمی توانیم اطمینان بدین گونه برداشت از روایت پیدا کنیم. البته عرض کردیم که احتمال این برداشت هم بعید نیست؛ زیرا معمولا اینگونه است که شخص قادر بر وضو نیست و از تیمم بدل از وضو سوال می کند.

بنابراین در رابطه با این دلیل «مالم یحدث» یعنی ما لم یحدث حدث مناسب با آن، بنابراین اطلاق مطرح شده در کلام محقق خویی، و اطلاق مطرح شده در کلام محقق حکیم و قول سوم ناتمام به نظر می رسد.

روایت ابی همام نیز دلیل بعدی بود که حمل آن را با تقیه مناسب دانستیم، و استدلال به آن را ناتمام دانستیم.

# نتیجه بحث: بقای تیمم بعد از حدث اصغر

نتیجه اینکه مقتضای اصل عملی و ادله ی اجتهادیه این است که تیمم به حال خود باقی است. بنابراین فرمایش سید مرتضی که حدث جنابت را مرتفع دانسته و امر به وضو کرده است صحیح است. در بحث حائض نیز چنین است؛ بعید است که دو تیمم را بر حائض واجب بدانیم. غالبا غسل حائض را مغنی نمی دانند لذا یک تیمم بدل از وضو مفروغ عنه است، لکن وجوب تیمم بدل از غسل برای او بعد از حدث بعید است. محقق خویی قائل به وجوب تکرار تیمم است. هذا تمام الکلام در فرعی که محل تفکر متفکرین از فقهاء شده بود. بسیاری در این مسئله بحث کرده اند از جمله صاحب جواهر، محقق حکیم، محقق همدانی و محقق خویی؛ منبع اصلی درس ما نظریات همین چهار بزرگوار است.

## توصیه استاد :لزوم مباحثه و کار علمی

کسانی که در ابتدای راه هستند حداقل باید کتاب محقق خویی را خوب مطالعه کنند و مباحثه قوی هم بکنند. بحث خارج بدون گفت و گو و مباحثه به جایی ختم نخواهد شد. باور کنید و تجربه ثابت کرده و به یقین رسیده ایم که بحث خارج بدون گفت و گو به جایی ختم نمی شود. برخی حتی مباحثه نیز نمی کنند. این نوع درس خواندن مفید نیست. باید وارد میدان گفت و گو شد، و مباحث را بررسی کرد. حل اشکالات را باید مشاهده کرد . درس زیاد رفتن و درس زیاد گفتن بسیار اشتباه است. نقل می کنند دو شاگرد محقق اردبیلی یعنی صاحب معالم و صاحب مدارک به جایی رسیدند که بسیار کار می کردند، شاید گاهی کلاس هم حاضر نمی شدند ولی بسیار کار می کردند. بسیار موفق تر بودند از کسانی که بسیار کلاس می رفتند و لکن کار نمی کردند. فقط کار علمی است که انسان را به جایی می رساند. البته کار تنهایی منتهی به خیالات می شود. باید گفت و گو و مباحث قوی کرد. تجربه ثابت کرده است کسانی که تنها کار می کردند دارای اشکالات فراوانی بودند. کسانی که تنها فکر می کنند خیال می کنند همه چیز را فهمیده اند و به بیراهه می روند. باید بعد از تتبع و بعد از وجدان در کلمات و بعد از گفت و گو متوجه شویم که بحث چیست و حل مسئله در کجاست. بار ها عرض کردیم که یک کسی رفته است مسئله سیاسی می گوید؛ شما که در جریان نیستید فکر می کنید این آقا یک چیز هایی می گوید. اما کسی که حرف های دیگران را شنیده است برداشتی دیگر می کند. ممکن است از لفظ او یک مطالبی بفهمند که ما از اصل حرف های او نیز چنین برداشتی نداشته باشیم. کسانی که در جریان مطلب بودند می فهمند. خودتان را در جریان مطلب قرار دهید. خود را در میدان علم قرار دهید که این اساس کار است و بسیار لذت بخش خواهد بود.

# ادامه ی مسئله 24: تنزیل تیمم منزله ی غسل

سید می فرمایند:

«فما دام عذره عن الغسل باقياً تيمّمه بمنزلته، فإن كان عنده ماءً بقدر الوضوء توضأ و إلّا تيمّم بدلًا عنه، و إذا ارتفع عذره عن الغسل اغتسل، فإن كان عن جنابة لا حاجة معه إلى الوضوء، و إلّا توضأ أيضاً هذا و لكن الأحوط إعادة التيمّم أيضاً، فإن كان عنده من الماء بقدر الوضوء تيمّم بدلًا عن الغسل و توضأ و إن لم يكن تيمّم مرّتين مرّة عن الغسل و مرّة عن الوضوء، هذا إن كان غير غسل الجنابة و إلّا يكفيه مع عدم الماء للوضوء تيمّم واحد بقصد ما في الذمّة»[[6]](#footnote-6).

جمله ی اول که فرمود «فما دام عذره عن الغسل باقياً تيمّمه بمنزلته» از باب اطلاق ادله ی تنزیل است.

و إذا ارتفع عذره عن الغسل اغتسل زیرا موقتی بوده است. برخی از اهل سنت دائمی دانسته اند و گفته اند اگر تیمم کردید دیگر غسل لازم نیست. آیه ی قران هم همین را می گوید؛ جمود بر ظاهر آیه شریفه، فتوای برخی علمای اهل سنت است. لکن ما به برکت نصوصی که از اهل بیت داریم مانند حدیث «مالم یحدث» یا «أصاب الماء» حکم به وجوب غسل می کنیم.

و إذا ارتفع عذره عن الغسل اغتسل، فإن كان عن جنابة لا حاجة معه إلى الوضوء، و إلّا توضأ أيضاً هذا و لكن الأحوط إعادة التيمّم أيضاً. ایشان به دلیل شهرت ادعا شده، احتیاط مستحب را اعاده ی تیمم نیز می داند.

فإن كان عنده من الماء بقدر الوضوء تيمّم بدلًا عن الغسل و توضأ و إن لم يكن تيمّم مرّتين مرّة عن الغسل و مرّة عن الوضوء، هذا إن كان غير غسل الجنابة و إلّا يكفيه مع عدم الماء للوضوء تيمّم واحد بقصد ما في الذمّة»[[7]](#footnote-7).

در مورد غسل جنابت زمانی که آب برای وضو ندارد یک تیمم را کافی می دانند.

اگر مکلف می خواهد احتیاط کند باید تیمم را به نیت ما فی الذمه بیاورد. مقتضای احتیاط نیت مافی الذمه کردن است.

اگر تیمم او منتقض شده باشد، این تیمم بدل از غسل خواهد بودو اگر باقی باشد تیمم بدل از وضو خواهد بود.

# حکم تداخل در اسباب غسل نسبت به تیمم

سیدیزدی در مسئله ی 25 فرمودند:

«حكم التداخل الذي مرّ سابقاً في الأغسال يجري في التيمم أيضاً»[[8]](#footnote-8)

فرض این است که چند سبب برای غسل ایجاد شده است و آبی نیز برای آن در اختیار نیست. باید تیمم کند؛ اگر غسل می کرد یک غسل از باب تداخل در اسباب کافی بود؛ تداخل در اغسال منصوص و مفتی به است.

اساس این مطلب در گذشته مطرح شده است. می فرماید جاری در تیمم نیز می شود. دلیل آن نیز اطلاق ادله ی تنزیل و بدلیت است. این قائلین اطلاق را قبول دارند و می گویند تیمم د رهر حال به جای غسل است.

روایت صحیحه زراره حکم به مجزی بودن یک غسل می کند:

« عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَارَةَ قَالَ: إِذَا اغْتَسَلْتَ بَعْدَ طُلُوعِ الْفَجْرِ أَجْزَأَكَ غُسْلُكَ ذَلِكَ لِلْجَنَابَةِ وَ الْجُمُعَةِ وَ عَرَفَةَ وَ النَّحْرِ وَ الْحَلْقِ وَ الذَّبْحِ وَ الزِّيَارَةِ وَ إِذَا اجْتَمَعَتْ عَلَيْكَ حُقُوقٌ أَجْزَأَهَا عَنْكَ غُسْلٌ وَاحِدٌ»[[9]](#footnote-9).

ادله ی بدلیت می گوید این تیمم از آن غسل است بنابراین یک تیمم نیز مجزی می باشد

محقق خویی اطلاق ادله بدلیت را قبول نمی کنند و می گویند این ادله فقط بیانگر طهور بودن تیمم و جواز دخول در نماز و عبادات هستند. اما اینکه تمام آثار غسل را داشته باشند مورد مناقشیه قرار می دهند[[10]](#footnote-10).

ما اطلاق این ادله را قبول داریم. «التراب بمنزله الماء».اطلاق دارد. محقق خویی اطلاق را قبول ندارند و بیان دیگری برای الحاق تیمم به غسل در این مسئله مطرح می کنند.

« حكم التداخل الّذي مرّ سابقاً في الأغسال يجري في التيمّم أيضاً فلو كان هناك أسباب عديدة للغسل يكفي تيمّم واحد عن الجميع و حينئذٍ فإن كان من جملتها الجنابة لم يحتج إلى الوضوء أو التيمّم بدلًا عنه، و إلّا وجب الوضوء أو تيمّم آخر بدلًا عنه»[[11]](#footnote-11).

محقق خویی فرموده است ادله ی تنزیل اطلاق ندارد ولی با این حال تداخل درست است. ایشان گفته است طبق مبنای ما که در باب غسل غسل را حقیقت واحده می دانیم درست است. در باب غسل دو مبنا وجود دارد که آیا غسل حقیقت واحده است یا خیر؟ مانند وضو که وضوی شخصی که خوابیده است یا حدثی دیگر سرزده است همه یک حقیقت هستند. مبنای دوم این است که اغسال متعدد هستند. طبق این بیان غسل جنابت غیر از غسل حیض است. ارتکاز هم همین را می گوید. فرق غسل با باب وضو در این است که ما در وضو نمی گوییم که وضو می گیرم از باب حدث خوابیدن، اما در غسل اینگونه است که سبب ها را در نیت جدا می کنند. این دو مبنا در غسل است که به تنقیح مراجعه کنید. ایشان تداخل را طبق مبنای خود درست می دانند.

1. [الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج3، ص63.](http://lib.eshia.ir/11005/3/63/) [↑](#footnote-ref-1)
2. [موسوعة الامام الخوئی، السید أبوالقاسم الخوئی، ج10، ص397.](http://lib.eshia.ir/71334/10/397/) [↑](#footnote-ref-2)
3. [موسوعة الامام الخوئی، السید أبوالقاسم الخوئی، ج10، ص397.](http://lib.eshia.ir/71334/10/397/) [↑](#footnote-ref-3)
4. [استبصار، شیخ طوسی، ج1، ص163.](http://lib.eshia.ir/11002/1/163/) [↑](#footnote-ref-4)
5. [مستمسک العروه الوثقی، سید محسن حکیم، ج4، ص480.](http://lib.eshia.ir/10152/4/480/) [↑](#footnote-ref-5)
6. [العروة الوثقی، السید محمد کاظم الطباطبائی الیزدی، ج1، ص508.](http://lib.eshia.ir/10028/1/508/) [↑](#footnote-ref-6)
7. [العروة الوثقی، السید محمد کاظم الطباطبائی الیزدی، ج1، ص508.](http://lib.eshia.ir/10028/1/508/) [↑](#footnote-ref-7)
8. [العروة الوثقی، السید محمد کاظم الطباطبائی الیزدی، ج1، ص508.](http://lib.eshia.ir/10028/1/508/) [↑](#footnote-ref-8)
9. [الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج3، ص41.](http://lib.eshia.ir/11005/3/41/) [↑](#footnote-ref-9)
10. [موسوعة الامام الخوئی، السید أبوالقاسم الخوئی، ج10 ، ص399.](http://lib.eshia.ir/71334/10%20/399/) [↑](#footnote-ref-10)
11. [العروة الوثقی، السید محمد کاظم الطباطبائی الیزدی، ج1، ص508.](http://lib.eshia.ir/10028/1/508/) [↑](#footnote-ref-11)